

چکیده سخنان و ارائه سرکار خانم دکتر مصباحی جمشید در پیش نشست دوم همایش « ما و غرب »

تاریخ: سه شنبه ۱۴۰۴/۰۴/۱۰

موضوع ارائه:

انواع مواجهه های پسااستعماری و مسئله شناسی در حوزه

تعلیم و تربیت

❖ پسااستعمار به معنای گذر از شرایط ناعادلانه اجتماعی، سیاسی و اقتصادی، تربیتی و نفی الگوی جهان شمول غربی و به رسمیت شناختن تفاوتها است.

مباحث پسااستعماری در سه دسته جای میگیرند:

۱. مطالعات پسااستعماری به منزله رهیافت هایی نظری بر ماهیت و پیامدهای استعمار.

❖ پسااستعمار نظریه ای درباره گفتمان استعمار است و بر آگاهی افزایی فرهنگی، بازاندیشی، بازنمایی و تحلیل انتقادی تاریخ استعمار متمرکز میشود.

❖ در پی به رسمیت شناساندن تفاوت های جوامع شرقی و غربی و اصالت دادن به تصور فرد از خود است.

❖ شاخص ترین چهره های مطالعات پسااستعماری: جریان های انتقادی معاصر مانند پسامدرنیسم، پسا ساختارگرایی، فمینیسم و شخصیت هایی مانند میشل فوکو، فرانتس فانون، سعید ادوارد، هومی بابا و لایلا گاندی

۲. اقدامات علمی، فناورانه در راستای تحقق جهان پسااستعماری.

❖ جریان تکنوساینسی آینده گرا بنام جریان پساانسان گرایی (Posthumanism) با جدیت ایده «فرارسیدن شرایط پسااستعماری» را دنبال میکند.

❖ این جریان با همه شباهتی که به جریان ترانسان گرایی (Transhumanism) دارد، در موضوع استعمار به مخالفت جدی با آن برخاسته است.

❖ مخالف رفتارهایی مانند به استخدام گرفتن بردگان، تصرف در جسم زندانیان، آزمایش بر روی افراد بی پناه و فاقد هویت اجتماعی، اتانازی، انواع حملات بیوتکنولوژیکی و مانند آن است.



◆ در نظر پسانسان گرایان استعمار میتواند اشکال سیاسی، اقتصادی، فناورانه، زیستی، فرهنگی، جنسی و جنسیتی داشته باشد و آنها از همه اشکال استعمار، گریزان اند (نه لزوماً در ستیز).

۳. استعمارستیزی؛ صریح ترین موضع اجتماعی دین.

◆ وجود ایده منجی در تمام ادیان، دلالت بر امتداد مطالبه عمومی برای پایان استعمارگری دارد.

◆ تربیت انسانهای منتظر در سطوح فردی، اجتماعی و تاریخی، منجر به تحقق شرایط پسااستعماری در عصر ظهور میگردد.

◆ در عصر غیبت، نظام حکومت دینی مصداق شرایطی است که استقلال طلبی، حریت و نهایتاً عبور از شرایط استعماری را دنبال میکند.

◆ «انقلاب اسلامی ایران نمونه روشنی از امکان وقوعی چنین خیزش عظیمی است»

از آنجا که مفهوم سلطه با تفکر مدرنیستی گره خورده است، تمام رویکردهای ضد مدرنیستی که در فضای تربیتی اشراب شده اند، زمینه هایی را برای مواجهه های پسااستعماری فراهم میکنند.

برخی از مسئله های تربیتی مستنبط از مباحث فوق:

◆ تربیت پست مدرنی هیمنه تربیت استعماری مدرنیسم را شکست (عدو شود سبب خیر) اما روند تربیتی که برای برنامه درسی، نقش معلم و دانش آموز ارائه داد، در عمل با تناقضات جدی مواجه شد. تربیت دینی چگونه میتواند از این وضعیت به نفع خود بهره بردارد؟

◆ اگر بخواهیم نفوذ استعمار سیاسی - اجتماعی بر نظام های تربیتی ملل را رفع کنیم آیا نیاز به حرکت های بنیان فکن داریم یا اینکه باید از اجزای کوچکتر نظام تربیتی شروع به ایجاد تغییر کرد؟

◆ در جامعه اسلامی ایران، در کدام لایه های تربیت توانسته ایم مداخله استعمار تربیتی را به حداقل برسانیم و در چه سطوحی هنوز مستعمره محسوب میشویم؟

◆ آیا سند تحول در این زمینه کفایت کرده است؟

◆ هویت دوگانه «تربیت غربی» و «تربیت های دیگر»، کی، کجا، به چه شکل باید اصلاح شود؟

◆ نقش نظام آموزشی در انتقال زبان و فرهنگ بومی چیست؟